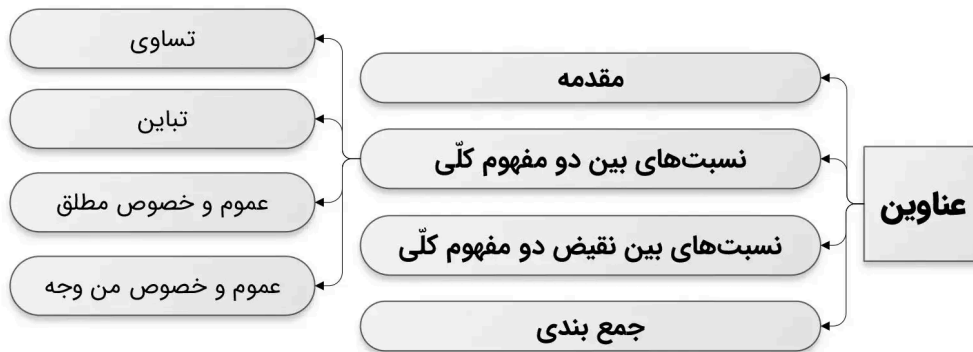


آشنایی با نسبت‌های چهارگانه در علم منطق



مقدمه

وقتی به اشیاء و پدیده‌های اطرافمان توجه می‌کنیم، مفاهیمی در ذهن ما شکل می‌گیرد. در علم منطق، این مفاهیم ذهنی، به دو دسته «جزئی» و «کلی» تقسیم می‌شوند: اگر مفهوم به‌گونه‌ای باشد که تنها قابلیت حکایت از یک چیز مشخص و منحصر به فرد را داشته باشد، آن مفهوم را «جزئی» می‌نامند {مثل تصوّر ما از کوه دماوند، شهر تهران و ...} اما اگر مفهوم قابلیت آن را داشته باشد که بر مصادیق متعددی (دو یا بیشتر) صدق کند، آن مفهوم را «کلی» می‌نامند {مثل مفهوم انسان که میلیاردها مصداق از جمله من و شما دارد}.

حال که با مفهوم کلی آشنا شدیم، در این نوشته قصد داریم دو مفهوم کلی را از جهت مصادیق‌شان با هم مقایسه کنیم و ببینیم وقتی دو مفهوم کلی در کنار هم قرار می‌گیرند، چه نسبت‌هایی میان آن‌ها قابل تصور است.

الف) نسبت‌های بین دو مفهوم کلی (1)

وقتی دو مفهوم کلی را مد نظر قرار می‌دهیم و از حیث مصادیق‌شان با هم مقایسه می‌کنیم، با یکی از این چهار رابطه مواجه می‌شویم: ۱. تساوی ۲. تباین ۳. عموم و خصوص مطلق ۴. عموم و خصوص من وجه. در ادامه به توضیح هر یک از آنها می‌پردازیم:

۱. تساوی

نسبت تساوی بین دو مفهومی برقرار است که مصادیق آن‌ها کاملاً با یکدیگر مشترک باشد. مثلاً بین دو مفهوم کلی «انسان» و «متفکر» نسبت تساوی برقرار است؛ زیرا هر انسانی متفکر است و هر متفکری انسان است.

۲. تباین

دو مفهوم کلی زمانی دارای نسبت تباین هستند که هیچ مصادیق مشترکی نداشته باشند. مثلاً نسبت میان «سنگ» و «گیاه» نسبت تباین است؛ زیرا هیچ سنگی گیاه نیست و هیچ گیاهی سنگ نیست.

در علم منطق، ما گاهی کلمه «تباین» را در بحث الفاظ به کار می‌بریم و گاهی در بحث مفاهیم (همین‌جا). دقت کنید که منظور از تباین در بخش الفاظ، «مغایرت در معنا» است {مثل دو کلمه انسان و حیوان که معنایشان متفاوت است}؛ اما منظور از تباین در اینجا (بخش نسبت‌های چهارگانه)، «مغایرت در مصادیق» است. بنابراین کلمه «تباین» در منطق یک مشترک لفظی است؛ مراقب باشید این دو اصطلاح را با هم خلط نکنید. (2)

۳. عموم و خصوص مطلق

نسبت عموم و خصوص مطلق میان دو مفهوم کلی زمانی برقرار است که یکی از آن‌ها همه مصادیق دیگری را در بر گیرد و ضمناً مصادیق دیگری هم داشته باشد. مثلاً میان دو مفهوم «حیوان» و «اسب» نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ زیرا هر اسبی حیوان است و حیوان تمامی مصادیق اسب را در بر می‌گیرد و علاوه بر آن مصادیق دیگری نیز مثل گاو، گوسفند و ... دارد.

در مثالی که گذشت، به مفهوم حیوان که مصادیق بیشتری داشت «اعم مطلق» و به مفهوم اسب که دایره مصادیقش کمتر بود «اخص مطلق» گفته می‌شود. (3)

این نسبت میان دو مفهومی برقرار است که در برخی مصادیق با یکدیگر مشترک‌اند، اما هر کدام مصادیق اختصاصی خود را نیز دارند. مثلاً دو مفهوم «شاعر» و «ورزشکار» عام و خاص من وجه هستند؛ زیرا هم دارای مصادیق مشترک هستند {و آن شاعری است که ورزشکار هم باشد} و هم مصادیق مخصوص به خود را دارند.

در مثالی که بیان شد، هر کدام از مفاهیم شاعر و ورزشکار را اصطلاحاً «عام و خاص من وجه» می‌گویند. به این معنا که در مقایسه با مفهوم دیگر، از جهتی عام است (چون شامل مصادیقی است که مفهوم مقابل بر آن‌ها دلالت نمی‌کند) و از جهتی خاص است (چون آن مفهوم دیگر مصادیقی دارد که این مفهوم بر آن‌ها دلالت نمی‌کند).

ب) نسبت‌های بین نقیض دو مفهوم کلی

تا اینجا با نسبت‌های چهارگانه میان خود مفاهیم آشنا شدیم. اما منطقی‌دانان پا را فراتر گذاشته و نسبت بین «نقیض» این مفاهیم را هم بررسی کرده‌اند.

در کتاب‌های مفصل منطقی، معمولاً پس از بیان نسبت‌های چهارگانه (نسب اربع) بین خود مفاهیم، نسبت‌های بین «نقیض» آن دو مفهوم را نیز بررسی می‌کنند. مثلاً در این بخش با استدلال‌های عقلی اثبات می‌شود که اگر رابطه بین دو مفهوم {مثل «انسان» و «متفکر»} از نوع تساوی باشد، رابطه بین نقیض آن دو مفهوم {یعنی «غیر انسان» و «غیر متفکر»} نیز تساوی خواهد بود.

از آنجا که اثبات این نسبت‌ها نیازمند استدلال‌ها و مباحث نسبتاً پیچیده است و بیشتر در سطوح عالی منطق و فلسفه کاربرد دارد، در این نوشته عمومی وارد آن نمی‌شویم و به همین آشنایی با اصل نسبت‌های چهارگانه بسنده می‌کنیم.

جمع‌بندی

دانستیم که وقتی دو مفهوم کلی را از جهت مصادیق‌شان با هم مقایسه می‌کنیم، ممکن است یکی از این حالات را داشته باشند:

- یا در تمام مصادیق مشترک‌اند (**تساوی**) {مثل انسان و متفکر}
- یا در همه مصادیق با یکدیگر مشترک نیستند {که دو حالت دارد}:
 - یا در هیچ مصداقی مشترک نیستند (**تباین**) {مثل سنگ و گیاه}
 - یا در بعضی مصادیق مشترک نیستند {که دو حالت دارد}:
 - یا یکی از آنها همه مصادیق مفهوم دیگر به علاوه مصادیق دیگری که مختص به خود هستند را دارد (**عموم و خصوص مطلق**) {حیوان و اسب}

◦ یا اگرچه دارای مصادیق مشترک هستند اما هر یک از آنها دارای مصادیق مخصوص به خود نیز هست

(عموم و خصوص من وجه) {مثل شاعر و ورزشکار}

لیست منابع:

(1): بیشتر مباحث این بخش برگرفته از «علی‌اصغر خندان، منطق کاربردی، ص ۳۸ و ۳۹» هستند.

(2): محمدرضا مظفر، منطق، ترجمه علی شیروانی، ج ۱، ص ۱۰۵.

(3): محمدرضا مظفر، منطق، ترجمه علی شیروانی، ج ۱، ص ۱۰۶.